حال ایشان پرسیدند ایشان گفتند که چون عیسی از آن دیه که قبل ازین گفته شد بیرون آمد و بر هم رسید بیاد بیت نماند و بعد از قطع مسافت بسیار بیشتر
افتاده و در پیر التماس کرد که درین خطه بجوشی اشتغال نمایی و پیشه پیش گیر تا تمام توجه بآن صنعت بشتابد و باید که شیء را بعون
دیگر نشناسد شاید که دو سه روزی از ضرر بیهوده این مذموم خواهیم بود عیسی گفت فرمان تراست و اگر تقصیر آرد و اندوه گرد او را
بجند پیشه داده و آن را در کار رنگ رزان آورد و ایشان پیر در روزی چند گذشت استاد آن دکان رنگرزی را بر
پیش آمد جامهای بسیار که جهت الوان مختلفه بردی جمع شده بود و پیش نهاده عیسی طلب کرد تا علی پیر این جامها
که هر یک را رنگی از اسباب دیگر شاید و توان صنعت را دانسته رنگ آن زار هر لونی بر شناخته من و دو روز بکار خاص فرموده
چون استاد رخت سفر بربست همه جامها را در یک خم نهاد و قضا چنان اتفاق کرد که سفر استاد دیر گشت و در حال عود نمود
بدکان باز آمد و چون جامها را در یک جا دید از عیسی پرسید که شیای که این ساعت بتو سپردم و دو تومین آنها سیاه نمود گفت
عیسی اشارت کرد بخمی که همه آنها جمع اند استاد فریاد برکشید که دو هفته تمام گشتم که هر یک برنگی دیگر باید آخر چیست که گرد آمدی
مردم بزبان آوردی عیسی فرمود که خاطر جمع دار و هر جامه را از آن خم رنگ که مطلوب است از من طلب کن القصه جامه بآن رنگ که طلب
از آن خم برآمد رنگ رنگ متعجب شدهم کار از طبیعت و خواص ایشان مشاهده آن بیخود و بعیسی ایمان آورد و ندای در دل شد که از
در بیرون آمدن رنگهای مختلف از یک خم حقیقة تعینات نور و تنوعات ظهور حق سبحانه با وجود صفت وحدت ذاتیه ظاهر
گردد و از اصلی وجود با ثمار و احکام حقایق آگاهی تمام یابند و من احسن من الله صبغة بیت ای خم یکرنگی عیسی بشکن ز شرم
خم صد رنگ ما ؛ هست بی رنگی اصول رنگها ؛ صلح باشد اصول جنگها ؛ و چون در تفسیر صبغة الله از این معنی شمه باز نموده شد اینجا بیت
بیت احتقار میرود ؛ بیت ز رنگهای رنگ اگر شوی بی رنگ ؛ هزار رنگ بلرزی از آن خم یکرنگ ؛ و گفته اند این جماعت کار زان
بود که عیسی بر ایشان رسید قوم که شمار العصار الالات کنم که ازین سو دست تر باشد و چون مخصوص بود نفوذ نمود که آنچه
نقدست فضل است از کنار شستن دل از آلات تعلقات ماسوی الله و بر واتیی دیگر دوازده پسر بودند بعیسی ایمان آورده با جماعت
دولت ملازمت وی اختیار کرده و چون آتش آسکنی در هعد و ایشان مشتعل شدی گفتندی جنبانا روح الله عیسی از
خدای تعالی بر ایشان طعامی پاکیزه و پیشاوی و چون حرارت تشنگی روی بجگر ایشان نهادی فریاد عطشنا یا کلمة الله
برکشیدندی دهم بدعا آنحضرت چشمه آب خوش گوارید آمدی روزی بعوض عیسی رسانیدند که از هاضلترین بزرگ مرکب شد
گرمان دب پای کفت جست و جوی زحمت کن ؛ کوی از دعوت خانه و فی السماء رزقکم میفرستد عیسی نزد یکی بزرگ
از شماست و آن کسی نبند که بدین دعوی چنین چرخی چاه کرد و بجوز و بجوز از ایشان ازین سخن پند پذیر شده حرف کنان
اختیار کرد و علما را در تسلیم ایشان بجماعتی انتظامست بعضی را از آن جماعت سفید پوشیدند و جمعی را
لغت عرب شدت پاشانست بدین سبب آن سفید اعداری که پیدا و قصت قصاران و بیت بیت تعلیمات

بر طی گرد

ای که تو بر ثیاب میکردند بعضی قمیض آن محققان بر اند که حواریان رهبانی نزاقی بر شده اند از عبادات اشتراء ایشان طریق مرد ی بجماعت
سعادت آخرین ایشان با هر سیماهم فی وجوههم من اثر السجود بیت آنجا که نشان عشق بر ملاست آنچه و اوجه و زیبا
باشد نسبت بنقا قلب و پاک صحبت ایشان که گویند جواری بخطیست موضع برای کسی که خاصه برگزیده باشد و نسبت الخلقت
بحقیقت اضافت چون آرزوی لجاک لوماست اهل حواریت و این جماعت خواص اصحاب عیسی بودند و حبشه مدد که بر سبیل
بر حواریتی بوده حواری سن زیر است و در عالم التنزیل آورده که حواریان خواجه عیسی تربیت هم و از دین بودند مرا از تشبیه بکوچک
و عثمان و علی عمر و جعفر و ابو عبیده و عثمان بن مظعون و طلحه و زبیر و سعد بن ابی وقاص و عبد الرحمن بن عوف رضوان الله
علیهم القصه چون عیسی فرمود که یاران من کیانند این جماعت گفتند نحن ما که خادمان تو اختیار کردیم انصار الله یاران
خدا یا عیسی بر ما و انصرف کنندگان و رهنما و اولیاء و دلیاری دهندگان ای خوبرویی که مطابق سوال عیسی بشتابان و برگ
گویند نحن انصار الله ما چون ایشان نظر بر حق داشتند و تبعیت عیسی برای خدای تعالی کرده کشف ما انصار الله ایم آمنا بالله گرویدیم
بخدای تعالی و اشهد و تو ای عیسی که رسول خدای گواه باش تا روزی که ما پیاده قوم کافر هستی و هستند تو نیز اوا شهادت خاص بانا
مسلمون ما گردن نهاده گانیم و این حواریان این سخن از مرتبه تمکین گفتند و از عبارت ایشان از مشرب
حقیقت مخصوص ساخته سیر منزل شهود کشیده از نوبت بخطاب آمد و آغاز نیاز کرد و از روی مناجات گفتند ربنا ای پروردگار
ما آمنا ایمان آورده ایم بما انزلت بآنچه فرو فرستادی و بعضی بمنزل
ایمان پاک کتاب در رسول موجب ایمانست همه کتب و رسل و بیاری کردیم و دستاوه کرد عیسی است
یعنی تابع شدیم و اوا و فاکتبنا پس بنویس ما بالقلم که صحیح در جریده احسان قدیم مع الشاهدین با آنان که
گواه اند تبرید حقیقت و دیدار تا بتصدیق یا غیب کن نامها ما را در دفتر اسامی چاکر شاهدان بر اهم خود غیب سر
بر اند که خدای تعالی این دعا استجاب ساخته ایشان را نعمت داده بعد از رفع عیسی بنده وی کردند و هر چه بر دست آنحضرت از خوارق
بظهور رسیده بود از ایشان نیز ظاهر شده و گفته اند کتابت بمعنی جمع است مراد از شاهدین امت تو که امت محمد اند
صلات الله علیه چه ایشان از خصائص بود بشهادت در روز قیامت کما قال الله تعالی لیکون الرسول شهیدا علی الناس معنی خاص
حواریان این بود که خدا جمع کرد میان ما و تو آن محمد صلات الله علیه در وی اثبات طریق هدی و در عیسی بحصول برکات و وصول
علی ای از عیسی و میسا و صفیا عیسی و هیچ آن بود که در سلک این امت مرحومه انتظام یابند که اینها عظیم نیز مثل موسی کلیم نیز بندی
این سعادت دیرشته اند که بعضی من لقی محمد صلی الله علیه ترا کی ای طلب تو جگیه بحبس موهبت خاص نعمت چنان دوستی بر شاید
امرت بدین که تو نه کرتی تو شاید و و قد این نعمت عظیم شناس بیت گر هر سر و بیت زبا فاکرد و گر عدد و سخن
خاطر بیرون ؛ جمعی از ارباب تحقیق بر اند که شاید اینها از مشهودات مینی را از اهل شهود و حضور اولیاء و حجاب
نعمت انظلیت نگذر بشاهد و تجلیات خود در هر صورتی صبر بار و ضع سازد بصیرت را بلحاظ جمال بی زوال خود

Copyright © Aligarh Muslim University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)